





## زیبای گمنام

-۱۹۲-

## صلاح الدین ایوبی

دو تماشاخانه هنر نمایش داده میشود این نمایش نامه  
یکی از بهترین و قایع تاریخی است که با ترتیبات و  
لباس های مخصوص همان عصر نمایش داده میشود

۳۶۳۴-۲

اطان گوچکی کثار ابار میخانه  
دیگر آنها بیمهان خواهد بود  
مشکل زودتر بریند  
آنزو از فازه خارج شده در  
مرتبه مرآت نموده گفت : یعنی  
این ذغال فروش مشتری شاست ، من  
ده روزه تمام قصه را کوش میکنم  
وچندین سیزدهم دیده ام  
خریدنده اورا نیشنام نمایش  
وارد است

- حبیب ۰۰ این ذغال فروش را  
با بن نامی آمد - کلوکلو سوه ظن  
شیدید نسبت پاییندا نمود  
کلوکلو فروش بدنون توجه پنجه  
وقتی که ۲۴ ندمی تو رسید آسمه  
براه افتاده برق آسی سواد از سافت باز کشته نموده  
ذغال فروش بدون توجه پنجه  
دیگری هر آب خود را کشید و غریب  
میگرد

( ذغال ۰۰۰ ذغال )  
دانزو باز تریده شد و بره  
رفیق از خود را کشید و بره  
تقویت که مقداری ذغال حلیم موده  
لذغال کلوکلو کشته جلو میباشد  
ایستاده

- چشم دندورش بود که مسدای ذغال  
فروش از دور نمیشه شد مردمه و  
تقویت که مقداری ذغال حلیم موده  
لذغال کلوکلو کشته جلو میباشد  
ایستاده

دانزو متوجه او شده و بره  
در زاده از داده گالری و قتن که در مقابل  
میباشد ایستاده باد کرد

با ای اتوون پایا که در کیسه ذغال

می خواهد

- امروز بذغال احتیاج ندارم .

ذغال فروش از جلو میباشد و دشنه

ویشت سران و داده و براه افتاده و براه

ذغال فروش با لکت زبان ا

سچهار روزه

- کسی از تو ذغال میگرد

کوش کن رفیق ، بیارویک کیلاس

شراب هر طرف پندی کنیم

- پیکرکو در دهنه بین فرمال

باشند و تضمیم کرتم هر طرف پندی نکنم

وی چون داده موده هستی به کیلاس

شراب پیکرکو میهمم . مشکم

هیچ چیزی در میل که آنها

مشغول صحبت بودند و المم هم بود .

ذغال فروش خود را کشیده شد .

و راه راهه و خود را داخل میباشد

کلوکلو با تکریب خود فاکور کرد

کرده کفت : بیارویک خوب گفت و بیارویک

ورد آنکه تکریب خود را بیدار ایشان و چه

آنرا خواهند برد از

در همین موقع ذغال فروش در ب

منازد از ایندوشده کفت : چند کیسه ذغال

لارم داریه هیچ

ذغال فروش خارج شده و باخود

کفت :

چارچه بین کلوکلور کنر زار

بسی از خوشیدن چند جرمه روی زان

و زنده نموده گفت : بینی چکاره هستی

کلوکلو کفت : چون قیمت اجنس را آنکه

نیکو کاران بدقت بخواهد

## حاشق گیج

در روز پیهارهه اول شربور ماه سامت آید از ظهر داشت

لچیج باشترش یا تاکر نمایش داده شد .

در روز پیهارهه ایشان شیان لا لازار نمایش داده شد .

تپه نموده است که از عوال آن نعمت سربرستی ایجاده را اشند که از کل

کیج خودشان در کوشه های زندان و عیال و اطلاعات در پیله های هم پسرت

و برش از کل کیک میگذند کیک خود .

ذوق از کیکهای دلخواه کرد . سه بچه

ذوق از کیکهای دلخواه کرد .

